

# گوداب زمان

حسنا پورتقی



کیت: فرار کن بدو داره بهت میرسه  
جنی: باید خودمونو به مخفی گاه برسونیم بدو  
کیت: بدو وسایل رو بردار بریم سوار کشتی شیم برگردیم و این خراب کاری رو درست کنیم  
جنی: نباید این موجود رو از سال ۱۰۰ سال بعد میاوردی اینجا  
کیت: فکر نمی‌کردم اینطوری شه حالا باید برگردیم به اون زمان و این موجود رو با خودم نیارم  
کیت: ایناهاش این همون کشتیه سوار شو  
جنی: اون چیه؟ گردابه!  
کیت: این همون گردابیه که منتظرش بودیم حالا باید صبر کنیم تا بهمون برسه بعد بریم توش  
جنی: من میترسم اگه نتونیم برگردونیمش چی  
کیت: نگران نباش پیدااش میکنیم  
جنی: داره میرسه  
کیت: ارهههه اومدیم توش حالا باید بریم  
جنی: وای میشه من نیام  
کیت: بچه بازی در نیارعه  
خب الان من میرم کشتی رو به سمت پایین هدایت کنم  
جنی: منم باهات میام  
کیت: بیا  
جنی: اون نور سیاه رو میبینی  
کیت: اره خودشه باید بریم همونجا  
جنی: یکم اروم تر برو چرا انقدر تند میری  
کیت: دست من نیست یه چیزی داره میکشمون پایین  
جنی: وای نکنه ...  
فکر کنم همونه!  
کیت: اره وارد تونل زمان شدیم داره همه چی درست پیش میره  
جنی: بدو از روی دستگاه تنظیم کن که به چه زمانی بره  
کیت: الان. خب ۱۰۰ سال بعد سه شنبه  
داره کار میکنه  
جنی: بدو تا اتفاقی نیوفتاده اونو بگردون



جنى: برداشتم همه رو

كيت: سوار شو

جنى: اون چيه

كيت: همون گردابه. ميخوام بريم ۱۰۰ سال بعد. بذار تنظيم كنم. خب داريم ميريم.

جنى: واى چه اتفاقى داره ميافته ؟

كيت: ميدونم

جنى: يعنى چى نميدونم الان چيكار كنيم

كيت: صبر كن

جنى: ولى چقدر هيجان انگيزه ها

كيت: اره. نگاه كن اين الان زمانه كه داره با سرعت از کنارمون رد ميشه

جنى: واى فكر ميكنم دارم خواب ميبينم

كيت: منم

جنى: واى چه جالبه

كيت: اينجا رو چه پيشرفته ميشه ۱۰۰ سال بعد

جنى: دلم ميخواد همين جا بمونم

كيت: منم

كيت: اون موجود عجيب رو تا حالا نديدمش

جنى: دست نزن ديگ برگرديم

كيت: باشه ولى اينم باخودم ميآرم

جنى: نه نكن ما ميدونيم چه اتفاقى ممكنه بيافته

كيت: تترس چيزى نميشه

۳ ماه بعد از برگشتن:

جنى: بهت گفتم اونو نيار

كيت: من نميدونستم قراره همه چى رو بهم بريزه رو دنيا رو خراب كنه كه

جنى: گفته بودم ممكنه خطرناك باشه گوش نكردى

كيت: بايد بر گردونمش به ۱۰۰ سال بعد

جنى: چى؟

كيت: بايد بر گردونيمش همين الان!

جنى: همين الان!؟

كيت: اره تنها راه همينه

پايان فلش بك:

كيت: يكم استراحت كنيم بعد ادامه بديم

جنى: الان نابودمون ميكنه عه نميتونيم صبر كنيم يكم تحمل كن

كيت: واى

جنى: اسمون داره تيره ميشه

كيت: داره حالت گر باد و رعد و برق پيدا ميكنه

جنى: بدبختى پشت بدبختى همشم تقصير اين تونل زمان و تو هست

كيت: الان دنبال مقصرى چرا به فكر نجات دادنمون باش

جنى: اونجا به خونس بيا بريم توش

كيت: چرا كسى نيست؟

جنى: مثل اينكه همه مردم از اينجا رفتن

كيت: كجا

جنى: گلم علم پيشرفت كرده تو اين دوره يا رفتم به سياره ديگه يا يه چيز ديگه كه ما ازش خبر نداريم

كيت: هعى

چرا تموم نميشه كه بريم بيرون كلې عقب مونديم از كارا

جنى: داره تموم ميشه ديگه ميتونيم بريم خطرناك نيست

كيت: اين چه صداييه؟

جنى: اون موجود اومده اينجا

كيت: واى نه بدبخت شديم

جنى: بدو بايد بريم بيرون بدوووو

كيت: چقد مونده تا برسيم

جنى: ۹۰۰ متر بدو داره مياد دنبالمون

كيت: دارم ميابينمش نزديك شديم اگه باهامون بياد چى؟

جنى: نبايد بياد الان دنبالمونه بايد از نوتل دورش كنيم بعد كه گممون كرد برگرديم.

كيت: چى؟! نه من ديگه نميتونم خسته شدم واييييي

جنى: مجبوريم چون اونوقت باهامون برمىگرده. اونجا رو مي بينى تو برو اونجا منم اينور ميرم باهم

درارتباطيم هر وقت گممون كرد برمىگرديم همينجا

كيت: نه جدا نشيم خطرناكه

جنى: نگران نباش كارى كه گفتم بكن

كيت: اميدوارم موفق بشيم

جنى: منم 😊

جنى: كيت كجايى؟

كيت: گمش كردم

جنى: خوبه حالا برگرډ جاى قبلى منم دارم ميام.

كيت: باشه